

فشردهء سخنرانی داود کاویان در کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان»

مورخ ۱۵ جنوری ۲۰۰۵

رفقای عزیز ،

به نوبهء خود همهء شما، به خصوص یاران عزیزی را که تازه به «نهضت آینده» پیوسته و با حضور خویش در کنفرانس حاضر به نهضت نوپای ما اعتبار بیشتر بخشیده اند، شادباش میگویم.
رفقا،

کنفرانس حاضر که گام بلندی به سوی **تشکل یک حزب چپ نقاد با ماهیت کاملاً نوین** به شمار می رود، بدون شک از اهمیت بزرگ تاریخی برخوردار است. اهمیت آن از جمله در آن است که شماری از شخصیت های بالغ سیاسی که بار تجارب بیش از چهار دهه مبارزهء سیاسی را با خود دارند و در کوره راه های پر خم و پیچ تاریخ کشور را آگاهانه طی کرده و از **پیروزی ها غره و از شکست ها سر خورده نشده اند**، بار دیگر جمع آمده اند تا پرچم پرافتخار مبارزه به خاطر انسان زحمتکش را بدون آلوده گی در هیچ یک از معاملات و معادلات مرسوم معرکهء حاضر سیاسی کشور بار دیگر بر افرازند.

فروپاشی سیستم حاکمهء سوسیالیزم دولتی بیروکراتیک دیروز - که سر نوشت محتوم آن بود- محمل های کاملاً نوین را برای بازنگری و نقد دیروز ، جهت راهیابی جنبش چپ نوین نقاد فراهم آورده است.

شکست تاریخی چپ بهمن ویرانگری بود که از کوهستان تاریخ فرود آمد و دستاورد های بزرگ انسان زحمتکش را که به بهای خون و عرق میلیونها زحمتکش به وجود آمده بود، به گودال نیستی افگند.

رفقا،

این واقعه، شکست سادهء یک سیستم اجتماعی نبود، بلکه با خود **بحران عظیم سیاسی، اندیشه یی، اخلاقی و روانی** را به همراه آورد. فرایند این شکست همچنان فرادستی بی رقیب مهارگسیخته ترین، هارترین و متجاوزترین لایه های نظام سرمایه را به دنبال داشت که دیگر بدون شرم و بی آن که نیت شان را برای برقراری امپراتوری سرمایه و تسلط بلامنازع بر جهان پنهان دارند، نظم جهان را به میل و سود خود سمت می بخشند.

شکست تاریخی چپ صفوف گسترده و منظم چپ جهانی را به صورت غیر قابل جبران بر آشفته و درهم ریخت. ضربهء شکست چنان گیج کننده و ناگهانی **(ولی قابل پیش بینی)** بود که عده یی بیشماری از رهروان چپ در زیر بار آن کمر خم کردند. عده یی با این اندیشهء باطل که گویا روز محشر تاریخ فرا رسیده، بر تمامی پیکرهء اندیشه یی شان پا گذاشتند، عده یی بر جنازهء سالهای «هدر داده شده» شان گریستند، عده یی به **حاشیه** گریختند، عده یی در انتظار وقوع **معجزه** نشستند، عده یی هم به «اصل» شان رجوع کردند و در منجلاب تعلقات طایفه یی، قومی، زبانی و مذهبی فرو غلتیدند. عدهء بی شمار دیگر هم خارج گود نشسته اند و نمی توانند تصمیم بگیرند. عده یی هم (به خصوص در تجربهء شکست جنبش کشورما) که آتش بیار معرکهء تسلیم و شکست بودند و در ناجوانمردانه ترین معاملات با شنیع ترین وسایل با ارتجاعی ترین و سیاه ترین نیروها معامله کرده اند، اینک برای غلبه بر افسرده گی های هجرانی و یا هم برای **پی گیری پروژه یی که مامور انجام آن شده بودند**، در مهاجرت دکان باز کرده اند و مشغول بده بستن های سیاستگرانه اند.

در این بین عده یی هم برای همیشه از صفوف چپ و منافع زحمتکشان بریدند و رفتند تا **بار دیگر در محرابی دیگر و به دنبال امامی دیگر سجده و اقتدا کنند.**

رفقا،

این فقط نیمرخ تاریک و نه سیمای تمام نمای جنبش چپ است. جنبش چپ دارد از زیر آوار فروریختهء تاریخ دلاورانه و با بار تجربهء عظیم تاریخی سر بلند می کند. جنبش چپ داد خواه را، داد را و عدالت را نمی توان برای همیشه سرکوب کرد و از متن تاریخ بیرون انداخت، زیرا داد خواهی و داد با سرنوشت هستی و تاریخ بافت سرشتی دارد. اگر چنین میبود، به گفتهء حافظ کار جهان بر منهج عدل نمی بود.

رفقا،

تاریخ وظایف سترگ و سنگینی را در راستای **سمت دهی مبارزهء زحمتکشان** و آماده گی برای رویارویی با چالش های کاملاً جدیدی که با موانع کلاسیک فرق سرشتی دارند، در عرصهء ملی و بین المللی به دوش ما، و آنانی که در سرتاسر جهان چون ما می اندیشند، قرار داده است. برای غلبه بر این چالش ها نمی توان ۱- بدون ایجاد چتر اندیشه یی، ۲- بدون ایجاد سنگر سازمانی و ۳- بدون گردآوری نیروهای متحد، گام برداشت.

من می خواهم در اینجا در مورد سومی یعنی ارزیابی کلی وضع طیف چپ در عرصهء بین المللی، منطقه یی و ملی و روابط جنبش آینده با آنها اجمالاً صحبت کرده توجه رفقا را به بعضی

مسایل اساسی و کلیدی، به مثابه وظایف حتمی و حیاتی جنبش آینده و حزب چپ نقاد فردا در این راستا جلب نمایم.

۱- در عرصه جهانی

ما شاهد از سرگیری، بازنگری نقادانه، سازمان یابی و گسترش بی سابقه جنبش چپ

هستیم.

احزاب مترقی مجهز با جهانبینی علمی به خصوص در اروپا دارند با بازنگری تجارب دیروز، پیله های اندیشه یی دگماتیک را از هم می درند و با فشرده ساختن صفوف خویش برای رویارویی با چالش های موجود آماده میشوند. این احزاب با وجود موانع فراوان از موجودیت رسوبات اندیشه یی و سلیقه یی دیروز در صفوف شان، با وجود ابهامات متعدد در باره نحوه برخورد با مسایل جهانی شدن، مبارزه طبقاتی، انقلاب و غیره، دارند در زیر چتر اندیشه یی چپ نقاد متشکل میشوند. بحث های جالب، مفید و دامنه داری در همایش های منظم این احزاب مطرح میشوند و در ده ها نشریه مترقی انعکاس می یابند. رفقا، بر ماست که بر تنبلی ذهنی غلبه کنیم و هر چی بیشتر این نشرات را بخوانیم و از این تجارب استفاده کنیم.

نهضت ما باید هرچه گسترده تر با این احزاب تماس حاصل کند، به حیث عضوی از این خانواده در همایش های شان شرکت نماید، نشرات و تحلیل های تیوریک آنان را در اختیار اعضای نهضت قرار داده و در نشریه «آینده» انعکاس دهد.

رفقا، تأکید من بر این است که در جریان ده سال اخیر، بعد از شکست، طرح ها، تحلیل ها و بازنگری های کاملاً جدیدی از گذشته مطرح گردیده که متأسفانه خانواده چپ ما و حتی تعداد زیادی از رفقای «نهضت آینده» از آن ها تصور دقیق و درستی نداریم. باید بر این کاستی غلبه کرد.

رفقا،

جنبش چپ در گستره وسیع تر آن، طیف های بیشتر و بیشتری از مبارزان صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی را به دور خود متشکل می سازد. در صدها اکسیون اعتراضی سالهای اخیر میلیون ها تن از فعالان جنبش صلح، جنبش مبارزان ضد سرمایه داری نیولیبرالی، مبارزان ضد جهانی شدن، مبارزان حقوق بشر، جنبش های زنان، جنبش های حفظ محیط زیست و فعالان ضد جنگ و ضد خشونت اشتراک کرده اند. این جنبش های نیرومند دارند از مواضع صرفاً اعتراضی و پرخاشگرانه فرا تر می روند و در تشکلهای جهانشمول متشکل میشوند. نکته بسیار امیدوار کننده در این تغییر مواضع در آنست که آنها دیگر آرمانهای شان را صرفاً

در مرزهای تنگ ایده آل های ویژه خود محدود نمی سازند، بلکه رسیدن به این ایده آل ها را با تأمین صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی پیوند می دهند و از این رو مبارزه با امپراتوری سرمایه، نیولیبرالیسم، جهانی شدن، سازمانهای بزرگ جهانی سرمایه داری مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت، کشورهای گروه هشت و به خصوص سیاست های ایالات متحده آمریکا را آماج خود قرار می دهند.

باید با این جنبش جهانی همراه شد، تا حدود امکان فعالیت های آن را سمت و سو بخشید، مواضع مبارزاتی آن را بیشتر و بیشتر در جهت مبارزه با سرمایه داری نیولیبرالی و امپریالیسم گسترش داد. نهضت ما باید هر چه وسیعتر با این جنبش ها و سازمانهای ممثل آن ارتباط قایم نماید و به صورت فعال و مستقل در اکسیونها و تظاهرات آنها سهم گیرد.

۲- در عرصه منطقه یی

جنبش چپ در منطقه جغرافیایی که کشور ما در آن قرار دارد، بنا بر عوامل کاملاً معلوم دچار فترت و ضعف شدید است. احزاب کلاسیک چپ از وضعیت سیاسی کنار رفته اند. در بسیاری موارد بعضی از این احزاب هنوز در قالب های دگماتیک دیروز محصور اند و یا در اتخاذ مواضع جدید دچار ابهام و نوسان اند. این امر انشعابات متعددی را بر این احزاب تحمیل کرده است.

رفقا، تأمین ارتباط با جنبش چپ و احزاب مترقی منطقه برای ما دارای اهمیت عظیم است، زیرا چالش ها و واقعیت های موجود در منطقه ما سرنوشت ما را بیش از پیش با هم گره زده است. «نهضت آینده» به مثابه یکی از آگاه ترین سازمان چپ منطقه، وظیفه دارد با تأمین تماسهای دایمی و در صورت امکان ایجاد نوعی چتر سازمانی منطقه یی با این رفقا به امر اعتلای جنبش چپ در منطقه کمک کند. ما می توانیم گردهمایی های احزاب، سازمانها، محافل و شخصیت های ترقیخواه و چپ منطقه را سازمان دهیم و زمینه های بحث و تبادل نظر را با این رفقا فراهم آوریم.

۳- در عرصه داخلی

رفقا، ما در این عرصه عمدتاً با دو طیف از نیروهای بالقوه و بالفعل چپ رو به رو هستیم:

- بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن)،
- سایر سازمانها، نیروها، محافل و افراد و شخصیت های مستقل چپ.

الف- بازمانده گان ح.د.خ.ا. (حزب وطن)

در این طیف دو نیروی عمده قرار دارند: حلقات به اصطلاح متشکل و گروه انبوهی از رفقای غیر متشکل.

بخش سازمان یافته و به اصطلاح متشکل این بازمانده ها عمدتاً از **آرمانهای آغازین ح.د.خ.ا. فاصله گرفته** و با بهانه هایی از قبیل: **پراگماتیسم، «درک واقعیت های موجود»، «بطلان کارایی چپ در جهان تغییر یافته»، «منافع ملی»، رجوع به ناسیونالیسم افغانی،** و ده ها توجیه دیگر عملاً از صفوف جنبش چپ کنار می روند. **لیدران و مغزهای متفکر این طیف عملاً به مبلغان نظام سرمایه و مشوقین پذیرش و انطباق با وضع موجود مبدل شده اند.** این یاران قدیم با پشت پا زدن به همه اعتقادات دیروز منتظر **صلای شرکت در حاکمیت موجود اند** و ناشیانه گمان می کنند با اتخاذ این مواضع خود را به اصطلاح وطنی ما «خوش خور» ساخته و مورد پذیرش حاکمان کابل و یا حاکمان حاکمان کابل قرار خواهند گرفت. آنها از پاسخ دادن به این سوال عاجز اند که حتی در حدود برنامه های پراگماتیک خود شان و شرکت در حاکمیت، **چی کاری را می توانند به نفع زحمتکشان انجام دهند.**

در این طیف همچنان صدها رفیق هم‌رزم دیروز ما قرار دارند که به دلایل متعدد و ناموجه شخصیتی، عاطفی، طایفه‌یی، زبانی و غیره هنوز پیوند خود را با این تشکل‌ها نبریده اند. در واقع آنان **گروگانان عاطفه و رابطه خود با رهبران دیروز اند.** برخورد ما با عده سیاست باز کار کشته حرفه‌یی که این تشکل‌ها را در طلسم خود نگهداشته اند، روشن است، ولی برخورد با هم‌رزمان صدیقی که شکار آنان گردیده اند، حوصله، تأمل و شیوه‌های کاملاً دیگری را طلب می کند. **تعداد بیشماری از این هم‌رزمان هنوز در عمق وجدان و اعتقاد شان با ما اند،** ولی نمی توانند از جال عنکبوتی که در آن گیر افتاده اند، خود را رها سازند. بحران اندیشه‌یی و سازمانی که این تشکل‌ها را فرا گرفته، نمایانگر آنست که مقاومت جدی در برابر مواضع لیدران در این تشکل‌ها وجود دارد. باید با کار دوامدار سیاسی، بحث، تماس و تأمین روابط به این رفقا کمک کرد تا بار دیگر در موضع زحمتکشان قرار گیرند. رفقا،

علاوه بر تشکل‌های بازمانده گان ح.د.خ.ا. (حزب وطن) ده ها هزار رفیق هم‌رزم ما اند که **هنوز در انتظار** به سر می برند و اکثراً خواهان پیوستن به مبارزه فعال سیاسی اند. تجربه تماس‌ها با این رفقا نشان می دهد که **آنان به تشکل‌های پیش گفته شده اعتماد ندارند.** آن عده رفقای از این طیف که به نشرات «آینده» دسترسی داشته اند، روز تاروز به مواضع ما نزدیک تر می شوند و خواهان پیوستن به «نهضت آینده» اند. **این رفقا مهمترین اتکای بعدی**

سازمانی ما به شمار می آیند. باید هرچه بیشتر با آنان رابطه گرفت و نشرات «آینده» را هرچی گسترده تر در اختیار آنان قرار داد.

ب- علاوه بر بازمانده گان ح.دخ.ا. (حزب وطن) تعداد دیگر سازمانها، محافل و شخصیت های مستقل چپ وجود دارند که هرگز باید آنان را از نظر دور نداشت. ما شاید با عده یی از این سازمانها مانند سوسیالیست های کارگری (عصر جدید) و یا بخش هایی از جریان مائوئستی سابق، هنوز اختلافات جدی داشته باشیم، ولی این اختلافات مواضع، نباید مانع آن گردد تا از تأمین رابطه، بحث و در صورت لزوم همکاری های مقطعی با آنان ابا ورزیم.

رفقا، ما همچنان باید از همین حالا دورنمای کار مشترک سیاسی را، علاوه از نیروهای بالقوه و بالفعل چپ، با نیروهای **دگراندیش، سیکولار و دموکرات در مبارزهء مشترک برای تأمین و تعمیق دموکراسی در کشور و مبارزه برای جدایی دین از سیاست و طرد حاکمیت مذهبی از نظر دور نداریم.**

رفقای عزیز، این ها اندیشه های بسیار کلی بودند در مورد واقعیت وضع چپ در جهان، منطقه و افغانستان. ما تلاش خواهیم کرد تا در آینده موضوعات فوق را با جزییات بیشتر در نشریهء «آینده» مطرح کنیم.

رفقا، برای کنفرانس تاریخی ما که بدون شک سرآغاز رستاخیز مبارزات دادخواهانء ما و سنگپایهء حزب فردای ما خواهد بود و همچنان برای هریک از شما پیروزی های بیشتر آرزو می کنم.

تایپ کامپیوتری: **طارق پیکار**

ویراستار و دیزاین این مقاله: **سالم سپارتک**
